روزنامه شهروند
فرهنگی. اجتماعی. سیاسی. اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال
سردبیر: سید افشین امیرشاهی
نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کدپستی:۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: جام جم
توزیع: شرکت نشر گستر امروز
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن سازمان آگهی ها: ۲- ۴۴۹۵۶۲۰۰
فکس:۴۴۹۵۶۲۰۳
telegram.me./Shahrvand_Newspaper
instagram.com/Shahrvand-Newspaper

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت

بر هیچ مومنی روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می‌شود و چشم خود را فرو بندد مگر این که آن وضع را تغییر دهد. **امام حسین(ع)**

متاع بلا

زدور نیست میسر نظر به روی تو مارا
چه دولتی ست تعالی‌الله از قد تو قبارا
از آنگهی که تو سلطان به ملک دل بنشستی
نشاط و خواب به شب‌ها حرام گشت گدارا
ز تیغ کش به حضورم که پادشاه بتانی
به دور باش فراقم مکش ز بهر خدارا
اگر چه در دل ما ماند یادگار جفایت
مباد آن که رود از درونه یاد تو مارا
دریغ جان که یکی بیش نیست ورنه ز چشمت
به نرخ نیک خریدن توان متاع بلارا
خرامشی سر کو که گه از گهی به کرشمه
که زیر خاک کنی زنده کشتگان بلارا
مفرحی که طبیبان دهند دوست ندارم
که برد لذت دردت ز کام ذوق دوارا
چو جان دهم قدمی سویم آوری که عزیزان
گلی دریغ ندارند خاک اهل وفارا
نه من اسیر بتانم به اختیار ولیکن
گسست می‌نتواند کسی کمند قضارا
نسیم هم نرسد زو گهی که زنده بمانم
مگر که بر سر کویش گذر نماند صبارا
به چشم خسرو از آنگه که جا گرفت خیالش
ز آب چشم به هر سو گلی شکفت صبارا
امیرخسرو دهلوی

پارکشهر

احمد نادعلیان:

هنر، آموزش و تفریح سلامت روان را در پی دارند

شهروند| خاک‌های رنگی هرمز در دست زنان و کودکان این جزیره به آثار هنری تبدیل شده‌اند که از سوی گردشگران هم خریداری شده است. احمد نادعلیان، موسس هنرمندسراهای تهران، پلور و هرمز با این کار در کنار اشتغال‌زایی، هنر و تفریح را با هم پیوند داده و معتقد است از پس این کار گروهی، سلامت روانی و توانمندسازی جامعه ایجاد می‌شود. احمد نادعلیان از جمله هنرمندان ایرانی شناخته‌شده در زمینه هنر محیطی در عرصه بین‌الملل است که علاوه بر سفر به کشورهای مختلف و شرکت در دوسالانه‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، طی سال‌های گذشته دغدغه‌های شخصی خود را نیز در جنوب ایران دنبال کرده است. او پس از تهران و پلور در جزیره هرمز هم هنرمندسرایی ساخت که اکنون به مرکزی برای آموزش هنر و حتی اشتغال‌زایی زنان هرمزی تبدیل شده است. یکی از آثار این زنان، ساخت تابلوهایی با خاک‌های رنگین جزیره هرمز است که حتی در نمایشگاهی در خانه هنرمندان تهران نیز به نمایش گذاشته شد.

از میان رفتن فاصله بین هنر و مردم

نادعلیان به‌عنوان موسس این هنرمندسراها در مورد تفریح در دنیای امروز گفت: «اگر بخواهیم به شکل بنیادی دنیایی را که امروزه در آن زندگی می‌کنیم، بررسی کنیم، باید به ماهیت مبهم مرز میان هنر، آموزش، بازار و سرگرمی اشاره کنیم. در گذشته هنر در موزه‌ها، یک کالای فاخر محسوب می‌شد که باید به دلیل خاصیت بی‌همتایش از آن فاصله می‌گرفتیم؛ اما امروزه حتی شاهدیم اگر کسی موزه برود، شرایطی فراهم می‌کنند که مخاطب با تعامل، وضعیتی را به وضع دیگر تبدیل کند و این کار ضمن بکارگیری مخاطب برای تعامل با اثر هنری، با تفرج نیز همراه است. همین معنا به شکل گسترده‌ای در فضای مجازی وجود دارد.» او سپس به تجربه خود از رابطه هنر و تفریح اشاره کرد:

«در فضاهایی که من کار می‌کنم؛ یعنی محیط‌های طبیعی و اجتماعی، آثار به شکل چیدمان ارایه می‌شود که با سرگرمی و تفریح همراه است مثلا چهار سنگ را در محیط قرار داده و چیدمانی انجام می‌دهند که علاوه بر فکر و ایده با سرگرمی هم همراه است.»

هنر از سر ذوق یا برای امرار معاش

نادعلیان که فیلم زندگی‌اش با عنوان «جزیره رنگین» از سوی خسرو سینایی ساخته شده است، در ادامه اما از کارکرد هنر تنها به‌عنوان سرگرمی انتقاد کرد: «بغرنج‌ترین شکل این است با جامعه‌ای روبه‌رو شویم که به دلیل نیاز اقتصادی، اولویت نخست هنر را تفرج و سرگرمی بداند و بعد فرهنگی آن را کمتر مورد توجه قرار دهد. البته بعد از گذشت سال‌ها متوجه شده‌ام این دوره گذراست.» نادعلیان در ادامه به نکته‌ای جالب اشاره می‌کند: «از تجربه‌ای که در کار با افراد غیرحرفه‌ای علاقه‌مند به هنر داشته‌ام، فهمیده‌ام بسیاری از افرادی که در محیط‌های روستایی از باز تولید نقاشی برای امرار معاش استفاده می‌کنند، بعد از مدتی حرف‌هایی می‌زنند یا رفتارهایی انجام می‌دهند درست شبیه نقاشانی که از سر ذوق کار می‌کنند. به‌عنوان مثال نقاشی که از سر ذوق کار می‌کند، اگر حس نقاشی کردن نداشته باشد، می‌گوید «الان حسش نیست» و جالب است همان افراد روستایی هم که نقاشی را برای امرار معاش آغاز کرده بودند، بعد از مدتی همین اصطلاح را به کار می‌برند.» به گفته نادعلیان وقتی از هنر برای آموزش فرهنگ و در کنار آن سرگرمی استفاده شود، نتیجه آن در شکل گروهی ایجاد سلامت روحی و روانی در کنار توانمندسازی است که تفرج سالم هم محسوب می‌شود.

فوکوس

۱۹ سال پیش، برابر با پنجم نوامبر ۱۹۹۷ میلادی، آیزایا برلین، اندیشمند و فیلسوف سیاسی بریتانیایی در آکسفورد درگذشت. آوازه برلین در بیشتر عمر مرهون برخی گفت‌وگوهای مهم و درخشان، حمله به دگماتیسم، تعصب و تندروی سیاسی و همچنین نوشته‌های قابل فهم در زمینه تاریخ اندیشه‌هاست. آیزایا برلین یکی از پرکارترین فیلسوفان سیاسی قرن بیستم است که از او آثار متعددی در زمینه‌های پژوهشی، از موسیقی و ادبیات گرفته تا سیاست و شاخه‌های گوناگون فلسفه بر جای مانده است. برلین دوبار به ایران سفر کرد: اول بار در ۱۹۶۰ در بازگشت از هندوستان و بار دوم در سال ۱۹۷۷ برای افتتاح بنای مدرسه باستان‌شناسی در تهران از سوی آکادمی سلطنتی بریتانیا. از آثار بارز او می‌توان به «کارل مارکس: زندگی و محیط او»، «چهار مقاله درباره آزادی» و «متفکران روس» اشاره کرد.

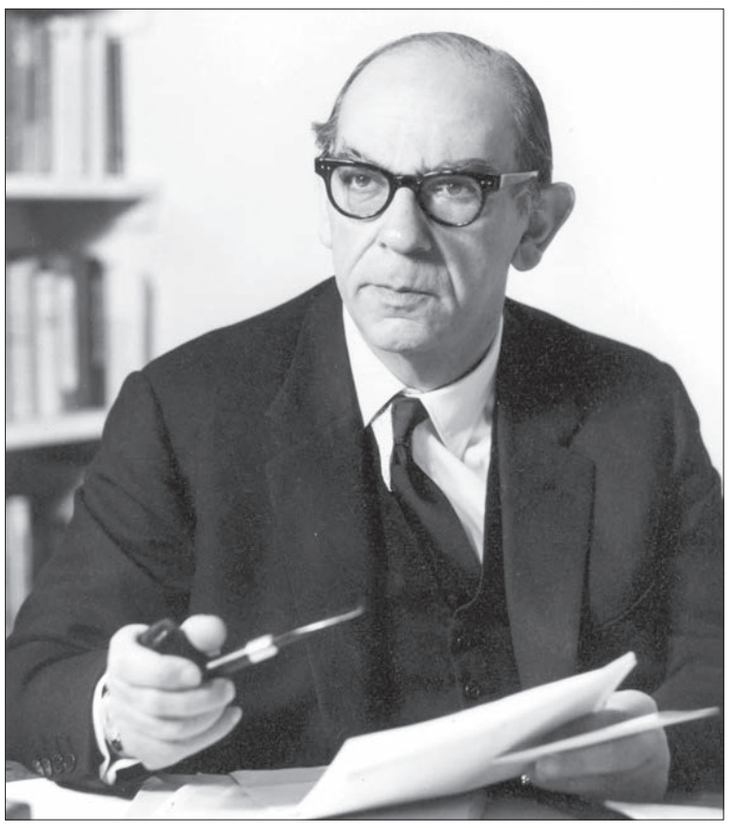

تقویم تاریخ

رخداد

- بنیان نهادن سلسله علویان طبرستان توسط حسن بن زید، برای مقابله با خلیفه عباسی (۲۴۲ خورشیدی)
- سقوط کابینه جعفر شریف‌امامی و تشکیل دولت سرلشکر غلامرضا ازهاری، به دنبال شدت گرفتن انقلاب مردم ایران (۱۳۵۷ خورشیدی)
- استعفای دولت موقت مهدی بازرگان در پی تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام(ره) (۱۳۵۸ خورشیدی)
- سقوط دولت نخست‌وزیر بی‌نظیر بوتو، در پی انحلال مجلس ملی این کشور به دستور فاروق لغاری، رئیس جمهوری پاکستان (۱۹۹۶ میلادی)

طلوع

- **پل ساباتیه** - شیمیدان فرانسوی، برنده جایزه نوبل شیمی سال ۱۹۱۲ برای کشف روش هیدروژنه کردن ترکیبات آلی (۱۸۵۴ میلادی)
- **ویلیام دانیل فیلیپ** - فیزیکدان آمریکایی، برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۹۷ برای توسعه روش‌های سرد کردن و به دام انداختن اتم‌ها با نور لیزر (۱۹۴۸ میلادی)
- **برایان آدامز** - ترانه‌سرا، آهنگساز، گیتاریست، تهیه‌کننده، عکاس و از شناخته‌شده‌ترین خواننده‌های راک انگلیسی (۱۹۵۹ میلادی)

غروب

- **کازیمیر کبیر** - آخرین شاه لهستان از خاندان پیاست از ۱۳۳۳ تا ۱۳۷۷ میلادی، دوبرابر کننده وسعت کشور لهستان طی دوران حکومت (۱۳۷۰ میلادی)
- **آلکسیس کارل** - زیست‌شناس فرانسوی، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی سال ۱۹۱۲ به خاطر مطالعه بر روی سیستم گردش خون (۱۹۴۴ میلادی)
- **بولنت اجویت** - سیاستمدار، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، نخست‌وزیر پیشین ترکیه از حزب جمهوریت خلق (۲۰۰۶ میلادی)

قاب کوچک

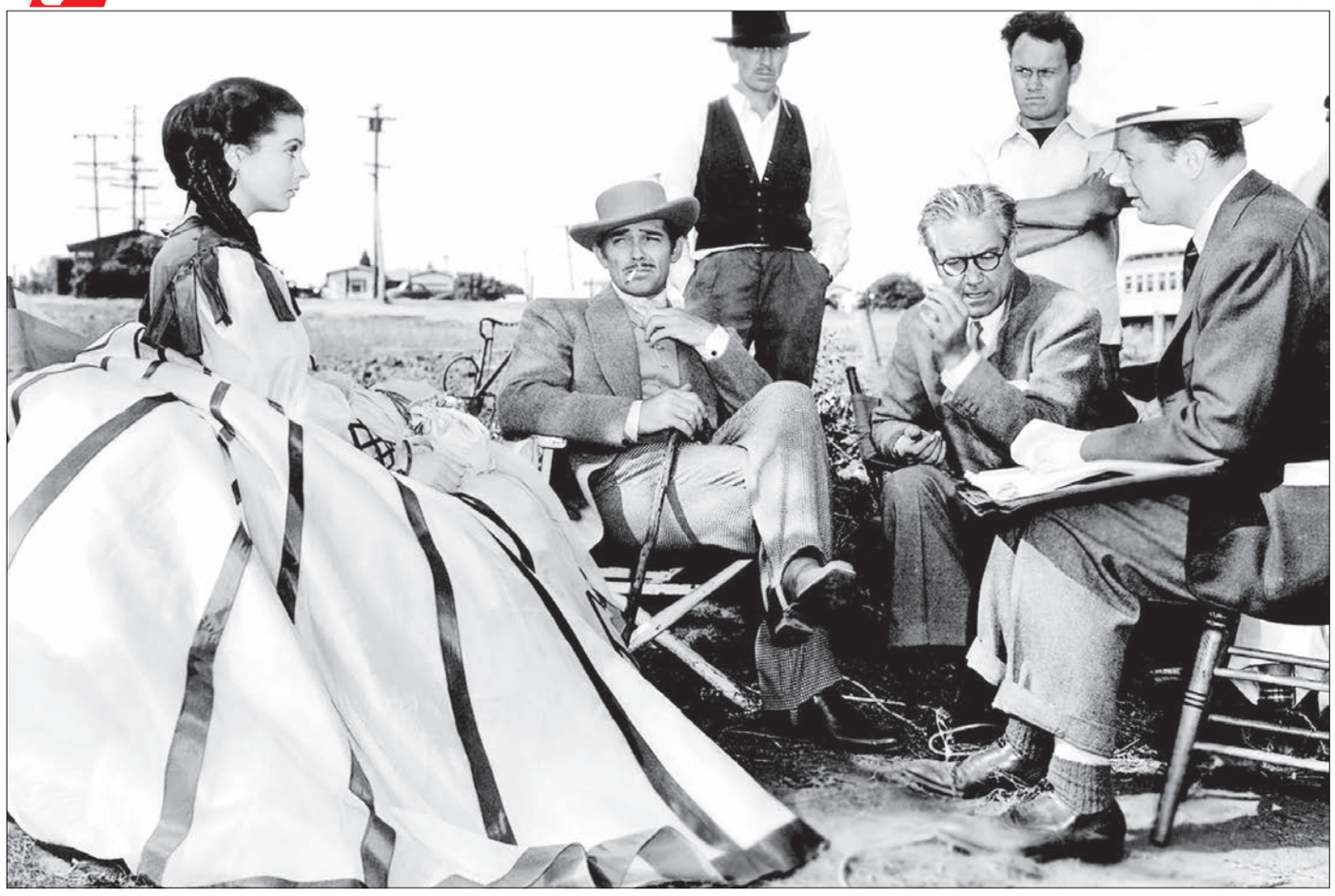

[ویوین‌لی، ویکتور فلمینگ و کلارک گیبل (نفر وسط) در پشت صحنه فیلم «بربادرفته» - ۱۹۳۹ میلادی] ۱۰۳ سال پیش، برابر با پنجم نوامبر ۱۹۱۳ میلادی، ویوین‌لی، بازیگر انگلیسی الاصل سینمای آمریکا در دارجلینگ هندوستان به دنیا آمد. ویوین‌لی در طول حیات حرفه‌ای خود، ۲ بار به خاطر بازی در فیلم‌های «بربادرفته» به کارگردانی ویکتور فلمینگ و «اتوبوسی به نام هوس» ساخته الیا کازان جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را به خانه برد. «بربادرفته» با در نظر گرفتن تغییر ارزش پول و تورم، از نظر درآمد و فروش در گیشه موفق‌ترین فیلم تاریخ سینما طی ۷ دهه گذشته به شمار می‌آید.

حرف روز

سرنوشت یکسان آقاجواد و پسر خیالپرداز!

محمدرضا نیک‌نژاد
آموزگار

۱- بیشتر خریدهایمان از سوپر کوچک آقاجواد بود. ته‌لهجه شیرین ترکی، خوش‌خنده، شوخ‌طبع، خوش‌رفتار به‌ویژه با بچه‌ها. چند ماه پیش برای خرید که رفتم داشت مغازه‌اش را جمع می‌کرد. چرایی‌اش را که پرسیدم؛ گفت همین تازگی‌ها در خیابان خودمان هایپرمارکتی راه‌اندازی شده است و پیش از آن هم هایپراستار باکری و یکی، دو سال هم هست که هایپراستار مجتمع کورش و... برو و بیایی یافته‌اند. فروشگاه‌های زنجیره‌ای با سرمایه‌های کلان، پرکشش و باکلاس‌اند و فروش انبوه دارند. از این‌رو، دستشان برای تخفیف‌های خوب باز است و ارزان‌تر می‌فروشند. انگیزه مردم برای خرید از آنها بیشتر است و سرِ ما خرده‌پاها را خلوت کرده‌اند!... آقا جواد از سر ناچاری و تکاپو برای یک زندگی آبرومند و کم‌دردسر مالی، مدتی هم ساندویچی راه انداخت، اما آن هم گویا پاسخگوی هزینه‌های زندگی‌اش نبود و اکنون چند هفته‌ای هست که مغازه خالی است و از او خبری نیست.

۲- فرزند یکی از آشنایان که در سال‌های نخست دبیرستان به خیال پولدار شدن، درس و مدرسه را ترک کرده بود برای ادامه درس و نام‌نویسی به یکی از هنرستان‌های بزرگسالان رفته بود. گفته بودند درس‌های شما دو بخش است. تئوری و مهارتی. پدرش می‌گفت هزینه‌های درس‌های تئوری تا اندازه‌ای کم و جورشدنی است اما گذراندن درس‌های مهارتی به این آسانی‌ها نیست! گفته‌اند حتما باید به فلان آموزشگاه بروی و هزینه‌اش که یک‌میلیون و ۲۰۰هزار تومان است را بپردازی! آشنایمان می‌گفت اکنون هم که گرفتاری‌های پسرم پس از چند سال حرص و جوش دارد به پایان می‌رسد، هزینه زیادِ درس خواندنش شده قوز بالا قوز زندگی ما! این هزینه را ندارم. به احتمال فراوان این آغاز کار است و اگر وارد این داستان شویم باید خیلی بیشتر برایش هزینه کنیم! پرسیدم چرا فرزندت را نمی‌بری هنرستان دولتی؟ گفت این که رفته‌ایم دولتی است! اما بیشترشان با آموزشگاه‌های خصوصی، زد و بندی دارند و بچه‌ها را به سوی آن‌جا هدایت می‌کنند و حق و حسابی هم می‌گیرند. با اندوه گفت: نمی‌شود کاری کرد! نالان ادامه داد: اگر برود کار کند، بهتر است!

رشد بی‌تعادل و غیراخلاقی اقتصاد و فرمانفرمایی مهارگسیخته بازار آزادِ چه بلاهایی که بر سر شهروندان یک جامعه نمی‌آورد! از سویی همین نگاه و رفتار بازاری، آقاجوادِ مردمدار را از کار و زندگی می‌اندازد و آواره می‌کند. از سوی دیگر پسر نوجوان را به سودای درآمد آنچنانی و آن هم با خیال یک‌شبه و ره صدساله! از درس و مشق و یادگیری می‌راند. گرچه آینده‌ای بهتر از آقاجواد برای این گل‌پسر پیش‌بینی نمی‌شود، چرا که به باور بسیاری از اندیشمندان سیاسی-اجتماعی، آموزش یکی از راه‌های کامیاب و کمیاب در دگرگونی‌های طبقه‌های اجتماعی-اقتصادی است. در جامعه‌ای که پول، امکانات و سرمایه در دست ۵درصد شهروندان متمرکز است، دور از ذهن و خلاف روند جاری است که او بی‌آموزش و حتی با آموزش! گذارِ میان طبقه‌ها را بپیماید و به هدفش برسد. گسترش روزافزون تمرکز منابع و فراهم بودن سرمایه‌گذاری بیشتر برای قدرتمندان اقتصادی، بیش از پیش طبقه‌های فرودست را کم‌توان و ناتوان کرده و به شکاف طبقاتی دامن می‌زند. دور نیست که امروز یا فردا آقاجواد و پسر خیالپرداز، کارگران همین هایپرهای رنگارنگ و فروشگاه‌های زنجیره‌ای پرزرق و برق شوند و در چرخه نوینی از بهره‌کشی گرفتار آیند. شوربختانه روند کلی جامعه زمینه این سرنوشت را برای آنها و خیلی‌های دیگر فراهم کرده است و می‌کند.

نگاه مخاطب

گریه باران

علیرضا محمدی زیوه| مدرسه که می‌رفتیم، روزی که ورزش داشتیم یکی از بهترین روزها بود و معمولا کسی در این روز غیبت نمی‌کرد و همه حاضر بودند. زنگ ورزش با چند دقیقه حرکت‌های کششی شروع می‌شد و بعد هم یک ساعت فوتبال. پنج دقیقه دو گل... اما امان از روزهای زمستانی سال که صبح هوا ابری بود یا اگر شب قبل باران آمده بود و زمین خیس بود همه با قیافه‌های عنق می‌نشستیم سر کلاس و تا زنگ ورزش خدا خدا می‌کردیم که زودتر آفتاب بیاد و زمین خشک شود، چرا که اگر زمین خشک نمی‌شد یا اگر هوا سرد بود از زنگ ورزش و فوتبال و پنج دقیقه دو گل هم خبری نبود. امروز از آن روزگاران دست کم یک دهه می‌گذرد و ما کودکان آن روزگار جوانان این سرزمین هستیم و هر صبح پاییز زمستان، به این امید چشم باز می‌کنیم که هوا بارانی باشد و اگر بارانی نیست حداقل از شر آلودگی هوا در امان باشیم. ما کودکان آن روزگار هنوز از دست باران گله داریم. آن روزها گله می‌کردیم که چرا می‌بارد و امروز هم گله می‌کنیم که چرا نمی‌بارد. ما کودکان آن روزها، امروز و هر روز سال چشم می‌دوزیم به آسمان تا باران ببارد و کشورمان درگیر بحران آب نباشد. حالا که ما بچه‌های آن روزگاران درگیر این مسائل شدیم، ای کاش معلم دلسوزی پیدا شود که یک روز سر کلاس بگوید: «بچه‌ها امروز درس تعطیل. امروز جغرافی و املا و انشا و ریاضی نداریم. امروز درس آب داریم.» بله همان درسی که اول ابتدایی یاد گرفتیم. اول ابتدایی یاد گرفتیم که چگونه بنویسیم آب، ولی دیگر یاد نگرفتیم چگونه از آن نگهداری کنیم. باید امیدوار باشیم که آموزگاران این روزها و تمامی سیاستگذاران نظام آموزشی کشور با بررسی چند آمار ساده برای کودکان که آیندگان این سرزمین هستند به جای جغرافیا و علوم و اجتماعی و... درس‌های لازم و مورد نیاز امروز را آموزش دهند. کافی است با توجه به آمار طلاق یا آمار خشونت و پرونده‌های ضرب و شتم منجر به فوت، طی یک درس چند ساعته به کودکان تعامل و همزیستی را بیاموزند و یا با توجه به آمار تصادفات جاده‌ای از همان ابتدا به کودکان و دانش‌آموزان اصول ابتدایی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را آموزش دهند. البته درست است که تغییر نظام آموزشی به راحتی امکان‌پذیر نیست و همین تغییر در چند سال اخیر گریبان وزارتخانه مربوطه را گرفته است و هر روز بحرانی جدید بروز می‌کند، اما این میان نمی‌توان منکر و بی‌خیال تأثیر رسانه‌هایی چون صدا و سیما بر رفتار کودکان شد. امید است که با توجه به برخی معضلات اجتماعی مثل طلاق و بدرفتاری‌ها و ناهنجاری‌های موجود در بطن جامعه، رسانه نیز خود را مکلف به ادای دین دانسته و در راستای آموزش مسائل اجتماعی برای کودکان و همگام با نظام آموزشی کشور گامی هر چند کوچک بردارد.

دعوت

شما بنویسید
ما منتشر می‌کنیم

صفحه آخر «شهروند»، در راستای سیاست‌های کلان روزنامه مبنی بر مشارکت هرچه ملموس‌تر مخاطبان در روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای به اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» را به اجرا می‌گذارد.

این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهایی چون زندگی اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، آداب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می‌کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهروند تصمیم دارد با اختصاص فضایی مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متکلم وحده فاصله گرفته و زمینه مشارکت عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را عینیت ببخشد.

صفحه آخر «شهروند» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می‌داند. مخاطبان به شرط خدشه‌دار نکردن ارزش‌های عرفی و شرعی حاکم بر جامعه، در طرح دیدگاه‌های خود - هرچند با سلایق دست‌اندرکاران روزنامه در تضاد باشد - آزاد هستند.

در آینده مطالب منتخب و چاپ شده، توسط روزنامه شهروند در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

دومین دعوت:
شهر و محله من!

در پی پایان مهلت نخستین دعوت صفحه آخر روزنامه شهروند (با موضوع ایام مُحَرم)، در دومین دعوت از شما مخاطبان همیشگی صفحه آخر می‌خواهیم خاطره، نکته، داستان و یا هر آنچه که فکر می‌کنید درباره شهر و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید جالب و خواندنی است، برای ما بنویسید و بفرستید تا در همین صفحه آن را با نام خودتان منتشر کنیم.

علاقه‌مندان به مشارکت می‌بایست متن‌های خود (حداقل ۳۰۰ و حداکثر ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده تا تاریخ ۱۵ آبان به آدرس ایمیل صفحه آخر ارسال کنند. مطالب دریافتی در صورت تایید محتوایی با درج نام نویسنده منتشر شده و بدیهی است اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند.

safhehakhar@shahrvand-newspaper.ir

ایمیل صفحه آخر: safhehakhar@shahrvand-newspaper.ir